

گذار از هارتلند مقاومت به عرصه رقابت آنا تولی-ایرانی در پرتو سقوط اسد

در تاریخ هشتم دسامبر ۲۰۲۴، نظام سیاسی تحت رهبری بشار اسد در سوریه فروپاشید و نیروهای مخالف بدون مواجهه با مقاومت مؤثر، وارد شهر دمشق شدند. این تحول ناگهانی، که با غلبه هیئت تحریر الشام همراه بود، موجب دگرگونی در معادلات ژئوپلیتیکی خاورمیانه گردید و شکاف‌های راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه را به‌طور آشکار نمایان ساخت. اهمیت این رخداد نه‌تنها در تغییر ساختار قدرت داخلی سوریه، بلکه در تأثیرات گسترده آن بر موقعیت منطقه‌ای بازیگران کلیدی همچون ایران و ترکیه نهفته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر پیامدهای ژئوپلیتیکی سقوط دولت اسد، به بررسی این پرسش بنیادین می‌پردازد که؛ در پی تحولات اخیر، موقعیت راهبردی ایران و ترکیه در خاورمیانه چه دگرگونی‌هایی را تجربه کرده است؟ فرضیه تحقیق بر این مبنا استوار است که فروپاشی دولت سوریه منجر به افزایش نفوذ ترکیه در عرصه سوری و تقویت جایگاه منطقه‌ای آن شده، در حالی که ایران با کاهش عمق استراتژیک، افت نفوذ ژئوپلیتیکی، تضعیف محور مقاومت، و محدود شدن ظرفیت چانه‌زنی در سطح منطقه‌ای مواجه گردیده است. همچنین، این تحول موجب تشدید رقابت راهبردی میان تهران و آنکارا در حوزه نفوذ منطقه‌ای شده است. روش تحقیق در این مطالعه، مبتنی بر گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل مقالات علمی است. تحلیل یافته‌ها از طریق روش تبیینی صورت گرفته و تلاش شده است تا مواضع و رویکردهای دو کشور نسبت به بحران سوریه و پیامدهای آن در سطح منطقه‌ای به‌طور دقیق ارزیابی گردد.

واژگان کلیدی: سوریه، ایران، ترکیه، خاورمیانه، موازنه قوا

خاورمیانه، به‌ویژه منطقه شام، در طول تاریخ معاصر همواره صحنه‌ی رقابت‌های ژرف ژئوپلیتیکی، منازعات ایدئولوژیک و مداخلات چندلایه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. این منطقه، که در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار دارد، نه تنها از نظر جغرافیایی دارای اهمیت راهبردی است، بلکه از حیث تاریخی، فرهنگی و سیاسی نیز بستری برای شکل‌گیری بحران‌های ساختاری و بازآرایی نظم منطقه‌ای محسوب می‌شود. در این میان، بحران سوریه به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و چندان‌بسیارترین تحولات ژئوپلیتیکی دهه‌های اخیر، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر موازنه قوا و بازتعریف جایگاه بازیگران کلیدی منطقه‌ای ایفا کرده است.

آغاز ناآرامی‌های داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱ و تبدیل آن به جنگی چندسطحی با ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، موجب شد تا این کشور به صحنه‌ای برای تقابل مستقیم و غیرمستقیم میان قدرت‌هایی چون ایران، ترکیه، روسیه، ایالات متحده و بازیگران غیردولتی تبدیل شود. در این میان، ایران و ترکیه به‌عنوان دو بازیگر منطقه‌ای با ظرفیت‌های متفاوت و اهداف واگرایانه، در مواجهه با بحران سوریه، راهبردهایی متضاد اتخاذ کردند که بازتابی از تفاوت در برداشت‌های امنیتی، منافع ملی و چشم‌اندازهای بلندمدت آن‌ها در خاورمیانه بود. سقوط دولت بشار اسد در سال ۲۰۲۴، نقطه اوج این بحران و آغاز مرحله‌ای جدید در بازآرایی نظم منطقه‌ای بود؛ مرحله‌ای که در آن، موقعیت راهبردی ایران و ترکیه به‌طور محسوسی دستخوش تغییر شد و رقابت میان آن‌ها وارد فاز جدیدی از تعارض ساختاری گردید.

ایران که در طول دو دهه گذشته با اتکا به اتحاد با دولت سوریه، بخشی از عمق استراتژیک خود را در محور مقاومت تثبیت کرده بود، با فروپاشی این دولت، نه تنها یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای خود را از دست داد، بلکه با چالش‌هایی جدی در حفظ نفوذ منطقه‌ای، انسجام ائتلاف‌های ایدئولوژیک و قدرت چانه‌زنی در معادلات امنیتی مواجه شد. این تحول، موجب تضعیف جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و کاهش ظرفیت آن برای اثرگذاری بر روندهای امنیتی و سیاسی در شام و فراتر از آن گردید. در مقابل، ترکیه با بهره‌گیری از خلأ قدرت در سوریه، تلاش کرد تا با گسترش نفوذ نظامی، اقتصادی و سیاسی خود، جایگاه راهبردی‌اش را در خاورمیانه تثبیت کند و به بازیگری فعال‌تر در نظم منطقه‌ای تبدیل شود. این واگرایی در راهبردها، موجب تشدید رقابت میان دو کشور و بازتعریف روابط دوجانبه در قالب تضادهای ساختاری شد که پیامدهای آن فراتر از مرزهای سوریه قابل مشاهده است.

در چنین بستری، تحلیل راهبردهای ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه و پیامدهای سقوط دولت اسد، نه تنها برای فهم دینامیک‌های جدید قدرت در خاورمیانه ضروری است، بلکه می‌تواند به درک بهتر از روندهای بازتوزیع نفوذ، شکل‌گیری اتحادهای جدید، تضعیف یا تقویت بلوک‌های منطقه‌ای و تحول در الگوهای امنیتی کمک کند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تبیینی و چارچوب نظری تلفیقی مبتنی بر موازنه تهدید، در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که سقوط دولت اسد چه تأثیری بر موقعیت راهبردی ایران و ترکیه در خاورمیانه داشته است؟ فرضیه تحقیق بر آن است که این تحول موجب تقویت موقعیت ترکیه به‌عنوان بازیگری فعال در نظم منطقه‌ای و در مقابل، تضعیف جایگاه ایران به‌عنوان متحد پیشین دولت سوریه شده است. در این راستا، مقاله حاضر با تحلیل علی میان متغیر مستقل (سقوط دولت اسد) و متغیرهای وابسته (راهبردهای ایران و ترکیه)، به بررسی روندهای نوظهور در سیاست منطقه‌ای این دو کشور پرداخته و تلاش دارد تصویری دقیق از بازآرایی قدرت در خاورمیانه ارائه دهد.

در راستای بررسی جایگاه راهبردی ایران و ترکیه در بحران سوریه، به‌ویژه در وضعیت^۱ سقوط بشار اسد، مرور پیشینه پژوهش‌های مرتبط امری ضروری است. مطالعات پیشین عمدتاً به تحلیل ابعاد ژئوپلیتیکی، امنیتی، انرژی‌محور و ایدئولوژیک این بحران پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند نقش آفرینی دو بازیگر مهم منطقه‌ای یعنی ایران و ترکیه را در قالب رقابت، موازنه‌سازی و مداخله‌گری بررسی کنند. با وجود تنوع دیدگاه‌ها، خلأ پژوهشی در خصوص بررسی جامع رقابت‌های ایران و ترکیه در سوریه پسا اسد همچنان محسوس است. جدول زیر، گزیده‌ای از مهم‌ترین منابع فارسی و انگلیسی را با تمرکز بر محورهای تحلیلی و یافته‌های کلیدی ارائه می‌دهد تا زمینه‌ساز تحلیل دقیق‌تر در پژوهش حاضر باشد.

نویسنده (ها)	عنوان	محور اصلی	یافته‌های کلیدی
ضرار بن سلیم و همکاران (۲۰۲۴)	سقوط اسد: پیامدهای آن برای سوریه و فراتر از آن	پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی سقوط اسد	تغییر توازن قدرت و همسویی مجدد اتحادهای منطقه‌ای
دازمیر جوجوا (۲۰۲۴)	سوریه پس از اسد: وضعیت ژئوپلیتیک در خاورمیانه	ژئوپلیتیک خاورمیانه پس از اسد	تضعیف موقعیت سوریه در برابر ایران، ترکیه و اسرائیل
موسوی شفقائی و زمردی انباجی (۱۳۹۶)	ژئوپلیتیک گاز و مداخله ترکیه در سوریه	انرژی و سیاست خارجی ترکیه	نیاز ترکیه به دولت همسو در سوریه برای تبدیل شدن به هاب انرژی
سیمبر و قاسمیان (۱۳۹۳)	مولفه‌های محیط امنیتی ایران و سوریه	امنیت منطقه‌ای و ایدئولوژی	نقش سوریه در استراتژی دفاعی-تهاجمی ایران و مقابله با نفوذ آمریکا
مردای و شهرام‌نیا (۱۳۹۶)	بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای ایران	تهدیدات امنیتی ایران	تضعیف محور مقاومت و تشدید تنش‌های فرقه‌ای و گفتمانی
رضایی (۱۳۹۵)	ماهیت رقابت و تعارض ایران و ترکیه در سوریه و عراق	موازنه قدرت منطقه‌ای	تلاش برای تثبیت نفوذ و جلوگیری از اتحادهای گسترده توسط دو کشور
حسام قاضی و همکاران (۱۳۹۶)	جایگاه ترکیه در مناقشات متعارضین در بحران سوریه	نقش ترکیه در تعارضات قدرت	موازنه‌سازی با ایران از طریق حمایت از داعش و توسعه عمق استراتژیک
مرات گونی‌لیوغلو (۲۰۲۵)	بازنگری در تأثیرگذاری ترکیه بر نزاع سوریه	اقدامات دیپلماتیک و نظامی ترکیه	ایجاد مناطق امن، حمایت از معارضان و تأثیر بر روابط با ایران
زهرا احمدی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)	واکاوی رقابت ایران و ترکیه در بحران سوریه	نقش‌های متعارض و تداخل نقش	شکل‌گیری الگوی رفتاری رقابتی میان ایران و ترکیه در سوریه
امانی السروجی (۲۰۲۴)	پیامدهای سقوط اسد برای ایران، روسیه، ترکیه و آمریکا	بازتعریف راهبردها	خلأ قدرت در سوریه و بازتنظیم راهبردهای منطقه‌ای

^۱ منظور از «سقوط» در این متن، نه الزاماً پایان رسمی و حقوقی حکومت بشار اسد، بلکه اشاره به فروپاشی دوفاکتوی ساختار قدرت در سوریه است. با وجود تضعیف شدید کنترل مرکزی و ظهور نهادهای موازی مانند ارتش جولانی، هنوز هیچ نهاد بین‌المللی تغییر رسمی رژیم را اعلام نکرده است. بنابراین، استفاده از واژه «سقوط» در اینجا بیشتر ناظر به واقعیت‌های میدانی و عملکردی است تا وضعیت حقوقی و دیپلماتیک.

چشم‌هاوس (۲۰۲۴)	سقوط اسد و فشار بر روابط ترکیه و ایران	روابط دوجانبه پس از سقوط	افزایش فشار بر روابط ترکیه با ایران و تغییر دینامیک منطقه‌ای
دنای اقتصاد (۱۴۰۴)	آینده روابط ایران و ترکیه پس از سقوط اسد	رقابت منطقه‌ای	احتمال افزایش تنش اما عدم وقوع جنگ مستقیم به دلیل ملاحظات استراتژیک

جدول (۱-۱) مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با بحران سوریه

۲- چارچوب نظری؛ ادراک امنیتی از نقش‌سازی و موازنه تهدید

تحولات ژئوپلیتیکی ناشی از سقوط دولت بشار اسد در سوریه، نقطه عطفی در بازآرایی نظم منطقه‌ای خاورمیانه محسوب می‌شود. در چنین فضایی، رقابت راهبردی میان قدرت‌های میانی مانند ایران و ترکیه نه تنها در سطح نظامی و امنیتی، بلکه در سطح گفتمانی، ائتلافی و هویتی نیز تشدید شده است. برای تحلیل این پویایی پیچیده، چارچوب نظری این مقاله بر پایه تلفیق سه نظریه کلیدی در روابط بین‌الملل بنا شده است: موازنه تهدید، نقش‌سازی در سیاست خارجی، و امنیت منطقه‌ای سازه‌انگارانه. این ترکیب نظری، امکان تحلیل چندلایه از رفتارهای ایران و ترکیه را در فضای آنارشیستی خاورمیانه فراهم می‌سازد.

موازنه تهدید^۱؛ نظریه موازنه تهدید که توسط استفن والت^۲ توسعه یافته، نسخه ارتقایافته‌ای از نظریه کلاسیک موازنه قوا است که به جای تمرکز صرف بر قدرت، بر «ادراک تهدید» تأکید دارد. والت استدلال می‌کند که دولت‌ها در مواجهه با تهدیدات ادراک‌شده (که می‌تواند ناشی از نزدیکی جغرافیایی، توانایی‌های نظامی، نیت‌های خصمانه و ظرفیت‌های تهاجمی باشد) اقدام به ائتلاف‌سازی یا موازنه‌سازی می‌کنند (Walt, 1987). در چارچوب این نظریه، سقوط اسد به عنوان متحد استراتژیک ایران، موجب افزایش ادراک تهدید از سوی بازیگران رقیب مانند ترکیه، اسرائیل و کشورهای عربی شده است. ایران این تحول را تهدیدی برای محور مقاومت، امنیت مرزی و نفوذ منطقه‌ای خود تلقی می‌کند، درحالی‌که ترکیه آن را فرصتی برای کاهش تهدید کردها، گسترش نفوذ در شام و بازتعریف موقعیت ژئوپلیتیکی خود می‌داند (Grajewski, 2024; Adar et al., 2025). پیگیری سیاست‌های موازنه قوا همواره از اولویت‌های اصلی کشورها، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ بوده است. این مفهوم معانی متعددی دارد که تحلیلگران مختلف دیدگاه‌های متفاوتی درباره آن ارائه داده‌اند. این نظریه که توسط رئالیست‌ها پشتیبانی می‌شود، بر اصل قدرت بنا شده است. از دیدگاه رئالیست‌ها، ساختار نظام بین‌المللی آنارشیستی است؛ به این معنا که هیچ قدرت برتری که بتواند حکمرانی جهانی اعمال کند در آن وجود ندارد و هر کشوری به دنبال منافع خود است.

نظریه نقش‌ها در سیاست خارجی^۳؛ نظریه نقش‌ها بر این اصل استوار است که دولت‌ها بر اساس هویت تاریخی، انتظارات داخلی و فشارهای بین‌المللی، نقش‌هایی را برای خود تعریف می‌کنند و سیاست خارجی‌شان را در چارچوب آن نقش‌ها تنظیم می‌نمایند (Holsti, 1970: 240). این نقش‌ها نه تنها رفتارهای سیاست خارجی را شکل می‌دهند، بلکه در رقابت گفتمانی و مشروعیت‌سازی منطقه‌ای نیز مؤثرند. ایران خود را به عنوان «مدافع محور مقاومت» و «ضامن امنیت شیعیان» تعریف کرده و سیاست‌هایش

¹ Balance of Threat Theory

² Walt

³ Role Theory in Foreign Policy

را در راستای حفظ این نقش تنظیم نموده است. در مقابل، ترکیه نقش «رهبر اهل سنت»، «حامی مردم سوریه» و «تسهیل‌گر گذار سیاسی» را برگزیده است. این نقش‌ها در واکنش به سقوط اسد، به‌ویژه در تعامل با بازیگران جدید سوریه، کشورهای عربی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بازتعریف شده‌اند (Saleem et al., 2024: 754).

نظریه امنیت منطقه‌ای^۱؛ در فضای آنارشیستی خاورمیانه، که فاقد اقتدار مرکزی و مبتنی بر رقابت قدرت‌های میانی است، نظریه امنیت منطقه‌ای که توسط بوزان^۲ و وور^۳ توسعه یافته، امکان تحلیل تعاملات امنیتی را با توجه به ساختارهای اجتماعی، هویتی و گفتگمانی فراهم می‌سازد (Buzan & Wæver, 2003: 44-49). این نظریه بر این فرض استوار است که امنیت نه تنها محصول قدرت نظامی، بلکه حاصل ادراکات اجتماعی، روایت‌های تاریخی و تعاملات گفتگمانی میان بازیگران است. در چارچوب این نظریه، رقابت ایران و ترکیه در سوریه پسااسد را می‌توان به‌عنوان بخشی از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در حال تحول تحلیل کرد؛ مجموعه‌ای که در آن تهدیدات فرقه‌ای، رقابت‌های ژئوپلیتیکی، و بازتعریف اتحادها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (Zafar et al., 2025: 160).

در مجموع، تلفیق این سه نظریه در چارچوبی واحد، امکان تحلیل هم‌زمان از رفتارهای سخت‌افزاری (نظامی، امنیتی) و نرم‌افزاری (گفتگمانی، هویتی) ایران و ترکیه را فراهم می‌سازد. این چارچوب به‌ویژه در تحلیل رقابت منطقه‌ای در فضای پسااسد، که هم‌بعد ژئوپلیتیکی و هم‌بعد گفتگمانی دارد، از توان تبیینی بالایی برخوردار است. همچنین، این چارچوب به درک بهتر از پویایی‌های ائتلافی، بازتعریف نقش‌ها، و تعاملات امنیتی در خاورمیانه کمک می‌کند.

۳- عوامل کلیدی در سقوط رژیم اسد

فروپاشی رژیم بشار اسد در اواخر سال ۲۰۲۴، حاصل تلاقی مجموعه‌ای از بحران‌های ساختاری، منطقه‌ای و اجتماعی بود که طی بیش از یک دهه، به‌تدریج مشروعیت و انسجام سیاسی دولت مرکزی را تحلیل بردند. در ادامه، مهم‌ترین عوامل مؤثر در این روند، به‌صورت تحلیلی و مستند بررسی می‌شوند.

۳-۱- فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی: تضعیف محور مقاومت و تغییر موازنه قدرت

تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از حملات حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و واکنش شدید اسرائیل، موجب بازآرایی موازنه قدرت منطقه‌ای شد. نمایش قدرت نظامی اسرائیل در غزه و فرسایش تدریجی محور مقاومت به رهبری تهران، رژیم سوریه را در موقعیتی شکننده قرار داد. این وضعیت با ظهور تحریرالشام به‌عنوان بازیگر نظامی مؤثر در اواخر ۲۰۲۴ تشدید شد؛ گروهی که با بهره‌گیری از خلأ قدرت و ضعف ساختاری ارتش سوریه، توانست جایگاه خود را در معادلات نظامی تثبیت کند (Kardaş, 2025: 32). در این دوره، سوریه نه تنها از سوی قدرت‌های غربی تحت فشار بود، بلکه از سوی متحدان سنتی خود نیز با کاهش حمایت مواجه شد. ایران، که تا پیش از این نقش تأمین‌کننده اصلی مالی و نظامی رژیم دمشق را ایفا می‌کرد، به‌دلیل تغییر اولویت‌های منطقه‌ای

¹ Regional Security Complex Theory

² Buzan. B

³ Wæver. B

و فشارهای داخلی، سطح حمایت خود را به طور محسوسی کاهش داد. این تحول، به ویژه در شرایطی که رژیم اسد با تهدیدات چندجانبه مواجه بود، تأثیر مستقیمی بر توانایی آن در حفظ انسجام داخلی و مقابله با شورشیان داشت (Saleem et al., 2024: 753).

۲-۳- بحران اقتصادی و انزوای ژئوپلیتیکی سوریه

در سال ۲۰۲۳، سوریه با یکی از شدیدترین بحران‌های اقتصادی تاریخ خود مواجه شد. سقوط ارزش پوند سوریه، افزایش تورم، و گسترش ناامنی غذایی، ساختار اقتصادی کشور را به طور کامل فلج کرد. این بحران نه تنها موجب نارضایتی عمومی شد، بلکه توان رژیم در تأمین خدمات پایه و حفظ شبکه‌های حمایتی را به شدت کاهش داد. کاهش ۶۰ درصدی حمایت مالی ایران، که پیش‌تر ستون فقرات پایداری اقتصادی رژیم محسوب می‌شد، به عنوان یکی از عوامل کلیدی در تضعیف دولت مرکزی شناخته شد (Saleem et al., 2024: 753). در سطح منطقه‌ای نیز، توافقات عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل، به ویژه امارات، بحرین و عربستان سعودی، موجب انزوای سیاسی سوریه شد. این روند، همراه با کاهش تعاملات دیپلماتیک و اقتصادی، رژیم اسد را در موقعیتی منزوی قرار داد که امکان مانور در سیاست خارجی را از آن سلب کرد.

۳-۳- اعتراضات داخلی و شکاف در پایگاه اجتماعی رژیم

یکی از تحولات بی‌سابقه در سال‌های اخیر، ظهور اعتراضات گسترده در مناطقی بود که پیش‌تر به عنوان پایگاه اجتماعی رژیم شناخته می‌شدند. از اوت ۲۰۲۳، تظاهرات ضد دولتی در سویدا، منطقه‌ای تحت سلطه دروزی‌ها، آغاز شد و به تدریج به مناطق علوی‌نشین مانند لاذقیه و طرطوس گسترش یافت. مشارکت فعال اعضای جامعه علوی و هواداران سابق رژیم در این اعتراضات، نشان‌دهنده شکاف عمیق در انسجام اجتماعی و سیاسی رژیم بود (Saleem et al., 2024: 754). نکته مهم‌تر، بی‌میلی نیروهای امنیتی برای سرکوب این اعتراضات بود؛ امری که در گذشته به عنوان ابزار اصلی بقای رژیم عمل می‌کرد. این تحول، نشانه‌ای از فروپاشی ساختار فرماندهی و کاهش مشروعیت داخلی رژیم محسوب می‌شود.

۴-۳- تشدید خشونت در مناطق تحت کنترل خارجی

در مناطق شمالی سوریه، که تحت کنترل ترکیه قرار دارند، اعتراضات مردمی پس از افزایش خشونت علیه پناهندگان سوری در ترکیه در ژوئیه ۲۰۲۴ شدت گرفت. این اعتراضات با اعلام تلاش‌های آشتی میان آنکارا و دمشق تشدید شد و نشان داد که حتی مناطق تحت نفوذ خارجی نیز از بحران مشروعیت رژیم اسد مصون نیستند. در شمال شرقی سوریه، تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه با اکثریت کرد، خشونت‌ها میان بازیگران متعدد منطقه‌ای افزایش یافت. این منطقه به صحنه‌ای برای رقابت میان نیروهای کرد، ارتش سوریه، و گروه‌های وابسته به ترکیه تبدیل شد (Bank & Herrschner, 2024: 2).

۵-۳- تحول نظامی شورشیان و تضعیف ارتش سوریه

تحریرالشام، با بهره‌گیری از خلأ قدرت و ضعف لجستیکی ارتش سوریه، توانست با پیچیدگی تاکتیکی بالا و حمایت ضمنی برخی قدرت‌های منطقه‌ای، از ادلب فراتر رفته و در مناطق حلب، حما و دمشق پیشروی کند (Saleem et al., 2024: 756). این گروه، که پیش‌تر با نام جبهه النصره شناخته می‌شد، با بازسازی ساختاری و ایجاد ائتلاف‌های گسترده‌تر، به نیرویی عملگراتر و مؤثرتر در میدان

نبرد تبدیل شد. در مقابل، ارتش سوریه با وجود آغاز ضدحمله در اول دسامبر ۲۰۲۴، به دلیل کمبود منابع، فرسایش نیروی انسانی و کاهش حمایت خارجی، نتوانست مقاومت مؤثری ارائه دهد. روسیه تنها پشتیبانی هوایی محدودی ارائه داد و ایران نیز از اعزام کمک‌های نظامی خودداری کرد؛ در حالی که حزب الله درگیر تنش با اسرائیل بود و عملاً از میدان سوریه خارج شد.

۶-۳- سقوط نمادین حما و فروپاشی نهایی رژیم

سقوط شهر حما در ۵ دسامبر ۲۰۲۴، که در قیام ۲۰۱۱ نماد مقاومت ضد دولتی بود، نقطه عطفی در فروپاشی رژیم اسد محسوب شد (Arora & Ganguly, 2025: 7). جشن‌های خیابانی و شعار «سقط الابد» نشان داد که افسانه بقای ابدی خاندان اسد پایان یافته است. این لحظه، از نظر نمادین و روانی، ضربه‌ای جدی به مشروعیت تاریخی رژیم وارد کرد. همان‌طور که هانا آرنت در اثر خود می‌نویسد: «جایی که قدرت از هم پاشیده است، انقلاب‌ها ممکن هستند اما ضروری نیستند» (Wedeen, 2025: 51). این جمله، به خوبی وضعیت سوریه در آستانه فروپاشی را توصیف می‌کند؛ جایی که قدرت مرکزی تحلیل رفته و فضای کنش انقلابی برای بازیگران جدید فراهم شده است.

۷-۳- سقوط نهایی و پیامدهای ژئوپلیتیکی

تهاجم سریع ائتلافی از گروه‌های شورشی به رهبری تحریرالشام و ارتش ملی سوریه، با حمایت مستقیم ترکیه، موجب سقوط نهایی رژیم اسد در دسامبر ۲۰۲۴ شد (Najib B. Hourani, 2025: 69). این تحول، نه تنها ساختار داخلی سوریه را دگرگون کرد، بلکه مرحله جدیدی در ژئوپلیتیک منطقه‌ای رقم زد. آینده سوریه، از این پس نه در چارچوب نظم اقتدارگرایی سابق، بلکه در بستر رقابت‌های جدید منطقه‌ای و بازتعریف نقش بازیگران محوری شکل خواهد گرفت (Jojuia & Sokhumi, 2024).

۴- سوریه در کانون رقابت ژئوپلیتیکی؛ تحلیل تطبیقی سیاست‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه

با آغاز بهار عربی و شروع بحران در سوریه، این کشور به سرعت از مرحله نارضایتی‌های مدنی و مطالبات اصلاح طلبانه به صحنه‌ای از منازعه چندلایه و پیچیده بدل شد که نه تنها بازیگران داخلی، بلکه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به طور مستقیم درگیر ساخت (Saleem et al., 2024: 755). در مراحل ابتدایی، اعتراضات عمدتاً حول محور اصلاحات سیاسی متمرکز بود، اما با تشدید تنش‌ها و گسترش دامنه مطالبات، خواسته‌ها به تغییر ساختار حاکمیتی و حذف رژیم مستقر سوق یافتند (Hamidfar et al., 2018: 117). دولت بشار اسد در مواجهه با این بحران، به اتخاذ راهبردی مبتنی بر «حفظ قدرت به هر قیمت» روی آورد؛ راهبردی که شامل بهره‌گیری از ابزارهای خشونت‌آمیز همچون کاربرد تسلیحات شیمیایی، شکنجه سازمان‌یافته، و تخریب هدفمند زیرساخت‌های غیرنظامی بود (Saleem et al., 2024: 757). پیامدهای انسانی این جنگ بسیار گسترده بود؛ از جمله آوارگی بیش از ۱۳ میلیون نفر، که حدود ۶۸ میلیون نفر از آنان به خارج از کشور پناهنده شدند.

از منظر بین‌المللی، منازعه سوریه به یکی از نمونه‌های بارز بحران‌های ژئوپلیتیکی قرن حاضر تبدیل شد که در آن، بازیگران منطقه‌ای با منافع متضاد به ایفای نقش پرداختند. در این میان، ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت میانه‌رو منطقه‌ای، در دو قطب متقابل قرار گرفتند: ترکیه در پی تغییر نظم موجود و حذف رژیم اسد بود، در حالی که ایران از حفظ وضع موجود و استمرار حکومت اسد حمایت می‌کرد.

ترکیه با تمرکز بر تهدیدات امنیتی ناشی از خودگردانی کردها در شمال شرق سوریه، به دنبال ایجاد منطقه حائل و تضعیف ساختارهای کردی بود. در مقابل، ایران با اعطای کمک‌های نظامی، مالی و لجستیکی به دولت دمشق، اهدافی چون حفظ نفوذ راهبردی در شام، تأمین امنیت خط لوله گاز ایران-عراق-سوریه، و تضمین ارتباط مستقیم با حزب‌الله لبنان را دنبال می‌کرد (Haider Bukhari, 2025: 1; Najaf Ali et al., 2024: 217).

در پی گسترش امواج اعتراضی ناشی از تحولات موسوم به بهار عربی و انتقال آن به فضای سیاسی سوریه، جمهوری اسلامی ایران این دگرگونی بالقوه را به‌عنوان تهدیدی بنیادین برای معماری ژئوپلیتیکی خود در منطقه تلقی کرد. از منظر راهبردی، فروپاشی احتمالی ساختار حاکم در دمشق به‌منزله تضعیف محور مقاومت ارزیابی شد؛ محوری که برای تهران نقش سپر دفاعی پیش‌دستانه در برابر فشارهای اسرائیل و ایالات متحده ایفا می‌کرد و به‌عنوان گذرگاه حیاتی برای اتصال به بازیگران نیابتی مانند حزب‌الله و گروه‌های مقاومت فلسطینی عمل می‌نمود (Kaderli & İşyar, 2025: 43). در واکنش به این تهدید ادراکی، مقامات ایرانی بارها تأکید کرده‌اند که سوریه نه تنها یک متحد منطقه‌ای، بلکه حلقه مرکزی در زنجیره امنیتی ایران محسوب می‌شود. از همین‌رو، هرگونه مداخله خارجی یا تغییر در ساختار قدرت این کشور، از منظر تهران، به‌مثابه تعرض به امنیت ملی تلقی شده و مستلزم پاسخ‌گویی راهبردی است. این موضع‌گیری، ریشه در نگرانی‌های عمیق نسبت به پیامدهای ژئوپلیتیکی تغییر رژیم در سوریه دارد؛ از جمله کاهش نفوذ ایران در جهان عرب، اختلال در مسیرهای سرمایه‌گذاری در حوزه مدیترانه، و محدود شدن دسترسی به منابع انرژی منطقه‌ای (Kaderli & İşyar, 2025: 44). در این چارچوب، حفظ یک بازیگر هم‌راستا با منافع ایران در ساختار سیاسی سوریه، نه تنها برای استمرار نفوذ منطقه‌ای تهران ضروری بود، بلکه به‌عنوان پیش‌شرطی برای حفظ توازن قدرت در غرب آسیا و جلوگیری از انزوای راهبردی ایران در برابر ائتلاف‌های نوظهور عربی و فرامنطقه‌ای تلقی می‌شد. در واکنش به تهدیدهای مستمر ناشی از قیام‌های داخلی، ایران با تقویت حمایت نظامی خود از دولت سوریه، زمینه بازپس‌گیری برخی مناطق را فراهم ساخت. با تشدید پیچیدگی‌های میدانی، تهران راهبرد خود را بازتنظیم کرد و با تشکیل نیروهای فراملیتی مانند تیپ فاطمیون، متشکل از افغان‌ها و پاکستانی‌ها، توانست هم نفوذ عملیاتی خود را تثبیت کند و هم اهداف ژئوپلیتیکی‌اش را در سوریه دنبال نماید (Ziarat et al., 2025: 584). رهبر ایران نیز سوریه را «حلقه طلایی» در زنجیره مقاومت علیه اسرائیل و رقبای منطقه‌ای توصیف کرد، که حفظ آن برای امنیت ملی ایران حیاتی تلقی می‌شود (Hamidfar et al., 2018: 126). در همین راستا، تهران با اعزام مستشاران نظامی و ارائه مشاوره‌های راهبردی به ارتش سوریه، تلاش کرد بقای حکومت بشار اسد را تضمین کند. با تجهیز و آموزش نیروهای نیابتی، ایران نفوذ خود را در مناطق آسیب‌دیده گسترش داد؛ اما این مداخله، به بهای سنگین انسانی و تشدید بحران در شهرهای جنگ‌زده تمام شد. نقش ایران در حمایت از رژیم سوریه، به‌ویژه در سایه تلفات گسترده انسانی، موجب انتقادات بین‌المللی و تضعیف مشروعیت محور مقاومت گردید.

در مقایسه با رویکرد ثابت و ایدئولوژیک ایران، سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه دستخوش تحولات بنیادین و چندمرحله‌ای شد. آنکارا در آغاز بحران، با اتخاذ موضعی مداخله‌گرایانه و حمایت آشکار از مخالفان سیاسی، در صف مقدم تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به حکومت بشار اسد قرار گرفت (Kardaş, 2025: 24). این سیاست، که ابتدا با هدف برجسته‌سازی نقش منطقه‌ای ترکیه و ترویج اصلاحات سیاسی در سوریه طراحی شده بود، به‌تدریج تحت تأثیر تحولات امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای دچار بازتعریف شد. گسترش بی‌ثباتی در سوریه نه تنها اولویت‌های راهبردی ترکیه را دچار اختلال کرد، بلکه پیامدهای داخلی قابل توجهی نیز به همراه داشت؛

از جمله افزایش حملات تروریستی و تضعیف امنیت ملی، که فضای سیاسی داخلی را به مرحله‌ای پرتنش سوق داد. در همین راستا، ظهور و گسترش داعش به عنوان یک تهدید فراملی، موجب شد تا تمرکز سیاست ترکیه از تغییر رژیم به حفاظت از منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی خود در سوریه و عراق منتقل شود. در مراحل اولیه بحران، ترکیه تلاش داشت از طریق دیپلماسی مستقیم، بشار اسد را به پذیرش اصلاحات ترغیب کند؛ اما با ناکامی در این مسیر، آنکارا به حمایت عملی از مخالفان سوری روی آورد، که شامل تأمین تسلیحات، آموزش نظامی و فراهم‌سازی پناهگاه‌های امن در مناطق مرزی بود. حتی اجازه استفاده از خاک ترکیه برای سازمان‌دهی و اجرای عملیات نظامی به این گروه‌ها داده شد (Islamic World Futures Institute, 2024).

در پی تشدید بی‌ثباتی ناشی از فروپاشی ساختاری در سوریه و تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه، سیاست امنیتی ترکیه به سمت اتکای بیشتر بر قدرت سخت و تعاملات تاکتیکی با بازیگران دولتی و غیردولتی سوق یافت. هرچند آنکارا در آغاز بحران از مخالفان رژیم حمایت می‌کرد، اما با تثبیت نسبی حکومت اسد، ناگزیر به پذیرش واقعیت بقای رژیم شد و تمرکز خود را بر مهار تهدیدات مرزی و مقابله با تجدیدنظرطلبی کردها قرار داد (Kardaş, 2025: 24). در این راستا، ترکیه مجموعه‌ای از عملیات‌های نظامی یکجانبه را در شمال سوریه آغاز کرد که با عملیات «سپر فرات^۱» در سال ۲۰۱۶ کلید خورد و در ادامه با چند عملیات دیگر در سوریه و عراق تکمیل شد. این اقدامات با هدف حذف عناصر داعش، محدودسازی نفوذ کردها، و حفاظت از مناطق تحت کنترل شورشیان در ادلب صورت گرفت. همزمان، آنکارا برای مدیریت پیچیدگی‌های میدانی، ناچار به هماهنگی با بازیگران رقیب مانند روسیه و ایران شد؛ هرچند اختلافات بنیادین با این کشورها، به‌ویژه در زمینه حمایت از رژیم اسد، همچنان پابرجا بود. مخالفت واشنگتن و شرکای غربی با اقدامات فرامرزی ترکیه نیز موجب شد تا آنکارا برای حفظ منافع امنیتی خود به رضایت مسکو و تا حدی تهران وابسته شود. در نتیجه، بحران سوریه نه تنها روابط ایران و ترکیه را به پایین‌ترین سطح رساند، بلکه رقابت راهبردی میان دو کشور را تشدید کرد و سوریه را به صحنه‌ای برای نمایش قدرت و برخورد منافع ژئوپلیتیکی آن‌ها تبدیل نمود.

۵- تقابل ایران - ترکیه در بازآرایی ژئوپلیتیکی خاورمیانه پس از سقوط رژیم اسد

چنانچه پیش‌تر اشاره شد سقوط دولت بشار اسد نقطه‌عطفی در تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه بود که موجب تبدیل سوریه به صحنه‌ای برای رقابت بی‌امان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت شکل‌دهی به نظم امنیتی جدید شد. این تحول، نبرد سوریه را از یک بحران داخلی به عرصه‌ای برای تسلط بر کل منطقه ارتقاء داد؛ جایی که بازیگران درگیر تلاش دارند از خلأ قدرت به‌وجودآمده در راستای منافع راهبردی خود بهره‌برداری کنند. در این میان، نقش دو قدرت کلیدی (ایران و ترکیه) در حفظ رژیم و تسریع فروپاشی آن، واجد اهمیتی حیاتی بود. روابط میان تهران و آنکارا که در دهه نخست قرن بیست و یکم با همسویی منافع منطقه‌ای بهبود یافته بود، به تدریج تحت تأثیر جاه‌طلبی‌های متضاد و رقابت برای رهبری جهان اسلام دچار فرسایش شد. ترکیه با تکیه بر نظام سکولار خود، همواره خود را جایگزینی برای مدل اسلامی ایران می‌دانست؛ اما بهار عربی این تعارض را تشدید کرد، زیرا هر کشور در پی صدور الگوی حکومتی خود و کسب نفوذ در جهان عرب بود. جنگ سوریه این شکاف را عمیق‌تر ساخت، چرا که حمایت مستمر ایران از رژیم اسد با تلاش

¹ Operation Euphrates Shield

ترکیه برای برکناری او هم‌راستا نبود (Akbarzadeh & Barry, 2016: 1). موارد زیر از جمله حوزه های تقابلی ایران و ترکیه در بازآرایی نظم جدید پس از سقوط اسد محسوب می گردند.

۱-۵- شکاف راهبردی ایران و ترکیه در بحران سوریه

گسترش بهار عربی به سوریه، تضاد بنیادین میان ایران و ترکیه را آشکارتر کرد. ایران ناآرامی های سوریه را توطئه ای غربی برای تضعیف محور مقاومت در برابر اسرائیل تلقی کرد، در حالی که ترکیه خود را به تغییر رژیم متعهد ساخت (Akbarzadeh & Barry, 2016: 6). در نتیجه، هر دو کشور با رویکردهای متضاد در میدان سوریه ظاهر شدند: ایران با حمایت مالی و نظامی گسترده از اسد، و ترکیه با پشتیبانی از شورشیان و مقابله با شبه نظامیان کردی مرتبط با پ.ک.ک.ک. پس از سقوط رژیم، ترکیه با استفاده از نفوذ خود، در طراحی ساختار سیاسی جدید سوریه نقش آفرینی کرد و به دنبال تعیین جایگاه کردها و بهره برداری از فرصت های اقتصادی منطقه ای بود (Bukhari, 2025: 6). در همین حال، روسیه و ایران با کاهش نفوذ مواجه شدند، در حالی که ترکیه و قطر به عنوان شرکای نزدیک دولت جدید سوریه، موقعیت خود را تقویت کردند. اسرائیل نیز با بهره گیری از خلأ قدرت، جایگاه استراتژیک خود را ارتقا داد.

۲-۵- بازگشت پناهندگان و ملاحظات انسانی

برخلاف انتظارات، ترکیه در بازگرداندن فوری پناهندگان سوری ساکن خاک خود تعجیل نکرده و رویکردی انعطاف پذیر اتخاذ کرده است، هرچند این مسئله همچنان در دستور کار آنکارا باقی مانده است (Kardaş, 2025: 36). در این میان، ایران و ترکیه هر یک با برنامه های خاص خود وارد عمل شده اند تا نظم پس از اسد را به نفع منافع ملی شان شکل دهند (Arslan Zafar et al., 2025: 158). ترکیه در سیاست گذاری خود، هم ملاحظات امنیتی و هم دغدغه های بشردوستانه را مدنظر قرار داده و ضمن مقابله با تروریسم و مهاجرت نامنظم، در کمک های انسانی و ابتکارات دیپلماتیک نیز مشارکت داشته است. با این حال، تضاد منافع با بازیگران بین المللی و پویایی های ژئوپلیتیکی منطقه، سیاست های ترکیه را پیچیده کرده اند. به ویژه تلاش های ایران برای گسترش نفوذ، فضای مانور آنکارا را محدود ساخته است (Yildirim & Ercan, 2025: 619).

۳-۵- واکنش کشورهای عربی و تضعیف ایران

اکثر کشورهای عربی از سقوط رژیم سوریه استقبال کردند، چرا که آن را عاملی برای تضعیف ایران و زمینه ساز توافق احتمالی میان دمشق و تل آویو می دانند. تشکیل یک دولت سنی در دمشق می تواند تحت نفوذ ترکیه قرار گیرد، به ویژه با توجه به گرایش های ضد شیعی اسلام گرایان ترک و بی اعتمادی تاریخی آنان به علویان (Hunter, 2024). با وجود وعده های احمد الشرح، رئیس جمهور موقت سوریه، مبنی بر حفظ حقوق اقلیت ها، گزارش ها از کشته شدن بیش از هزار علوی حکایت دارند که بالاترین آمار قتل از زمان سقوط رژیم اسد محسوب می شود (Lloyd et al., 2025: 38).

۴-۵- گسترش نفوذ ترکیه در عراق، قفقاز و آسیای مرکزی

پیروزی ترکیه در سوریه، آثار ملموسی در عراق نیز خواهد داشت. آنکارا که پیش تر در شمال عراق حضور داشته و با کردها همکاری کرده بود، اکنون می تواند با تشکیل دولت سنی در سوریه، نفوذ خود را در میان اهل سنت عراق گسترش دهد. رهبران ترکیه همچنین در

پی بهره‌برداری از این فرصت برای توسعه نفوذ در آفریقا، آسیای مرکزی و قفقاز هستند. حمایت نظامی و دیپلماتیک ترکیه از باکو در جنگ قره‌باغ، بخشی از این راهبرد توسعه‌طلبانه محسوب می‌شود (Mohammadsharifi, 2024).

۵-۵- تهدیدات ژئوپلیتیکی علیه ایران

رهبر ایران سقوط اسد را نتیجه دخالت مستقیم اسرائیل، ایالات متحده و ترکیه دانست و مجموعه‌ای از مواضع ضدترکیه‌ای و ضدتحریرالشام اتخاذ شد. اگر این رویکرد ادامه یابد، ایران در معرض یکی از مهم‌ترین اشتباهات راهبردی خود قرار خواهد گرفت (Habibi, 2024). دشمنی با رژیم جدید سوریه می‌تواند نفوذ منطقه‌ای تهران را بیش‌ازپیش تضعیف کند. از نظر جغرافیایی، سوریه بخش کلیدی کریدور زمینی ایران به حزب‌الله در لبنان بود. فروپاشی این مسیر، انتقال سلاح و پشتیبانی لجستیکی را دشوارتر کرده و قابلیت‌های حزب‌الله را محدود ساخته است. همچنین، سوریه در طرح ژئواقتصادی ایران برای پیوستن به ابتکار کمربند و جاده چین نقش محوری داشت. با افزایش نفوذ ترکیه، موقعیت ایران نه‌تنها در شام، بلکه در عراق و قفقاز جنوبی نیز تهدید شده است. ساخت کریدور زنگزور توسط ترکیه و آذربایجان، اتصال زمینی ایران به ارمنستان را قطع خواهد کرد و نقش ایران در مسیرهای تجاری منطقه‌ای را تضعیف می‌کند (Sinem Adar et al., 2025: 5).

۵-۶- همگرایی ترکیه با کشورهای عربی و فشارهای چندجانبه بر ایران

در شرایط بازنگری در اولویت‌های سیاست خارجی، ترکیه در حال تقویت روابط با کشورهای عربی است. به گفته هاکان فیدان،^۱ وزیر امور خارجه ترکیه، آنکارا در تلاش برای ایجاد ثبات در سوریه، همکاری با عربستان، امارات، قطر، مصر، اردن و عراق را در دستور کار قرار داده است (Sinem Adar et al., 2025: 6). همزمان، ترکیه از روابط نزدیک خود با باکو برای اعمال فشار بر جناح شمالی ایران استفاده می‌کند. افزایش مرزهای آذربایجان با ایران و روابط با اسرائیل، ادراک تهدید در تهران را تشدید کرده است.

۵-۷- تثبیت نفوذ ترکیه از طریق ترتیبات نظامی و اقتصادی

در پی سقوط رژیم اسد، ترکیه در تلاش است تا از طریق توافقاتی مشابه با آنچه در لیبی منعقد کرده، حضور نظامی خود را در سوریه تثبیت کند. این حضور می‌تواند شامل ایجاد پایگاه‌هایی برای نیروی هوایی ترکیه باشد، هرچند آنکارا با احتیاط به چنین ترتیباتی نزدیک می‌شود تا از واکنش‌های منفی بازیگران منطقه‌ای جلوگیری کند (Kardaş, 2025: 34-35). رشد صنعت دفاعی ترکیه نیز به آنکارا امکان می‌دهد تا در بازسازی ارتش سوریه، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند دفاع هوایی، نقش آفرینی کند. نزدیکی جغرافیایی، توان اقتصادی و دسترسی به منابع انرژی، ترکیه را در موقعیتی قرار داده که بتواند نفوذ پایدار خود را بر دمشق اعمال کند. در همین راستا، اقدامات ترکیه برای حمایت از بازسازی سوریه آغاز شده و شامل همکاری در تأمین برق، تولید نفت و گاز و ساخت خطوط لوله انرژی است. طبق اظهارات وزیر انرژی ترکیه، آلپ‌ارسلان بایرقدار^۲، برنامه‌هایی برای ارسال برق به سوریه و احداث خط لوله نفت در حال مذاکره است.

¹ Fidan. H

² Alparslan Bayraktar

این اقدامات، همراه با گسترش قلمرو حزب دموکراتیک خلق سوریه که مورد حمایت ترکیه است، شکست راهبردی برای ایران محسوب می‌شود (Bukhari, 2025: 8).

۸-۵- پروژه جاده توسعه و حذف موانع ژئوپلیتیکی

ترکیه با طرح «جاده توسعه» که خلیج فارس را به اروپا متصل می‌کند، درصدد ایجاد جایگزینی برای کانال سوئز اسرائیل و طرح IMEC ایالات متحده است. با این حال، دو مانع اصلی در مسیر تحقق این پروژه وجود داشت: فعالیت‌های پ.ک.ک و نفوذ ایران در منطقه. توافق ترکیه با دولت بغداد برای مقابله با پ.ک.ک و اجرای عملیات Claw-Lock در شمال عراق، این مانع را تا حد زیادی برطرف کرد. همچنین، کاهش نفوذ ایران و خروج آن از سوریه، مسیر را برای پیشبرد این پروژه هموارتر ساخت. در این چارچوب، رقابت‌های ژئوپلیتیکی سنتی جای خود را به کشمکش‌های جدید قدرت داده‌اند که در قالب پروژه‌هایی چون «خاورمیانه بزرگ»، «کریدور IMEC» و «جاده توسعه ترکیه» ظهور یافته‌اند. این رقابت‌ها اکنون به حوزه‌هایی چون مسیرهای انرژی، برتری تکنولوژیکی و توسعه‌طلبی ایدئولوژیک گسترش یافته‌اند. سوریه دیگر صرفاً میدان نبرد نیست، بلکه به چهارراهی استراتژیک تبدیل شده که در آن نظم جهانی در حال بازتعریف است. عبور منابع انرژی از روسیه، آذربایجان، مدیترانه شرقی و قطر از خاک ترکیه، و تمرکز مسیرهای راهبردی مانند جاده ابریشم و جاده توسعه بر این کشور، ظرفیت آنکارا را برای تبدیل شدن به بازیگری منطقه‌ای و جهانی افزایش داده است (Yildirim & Ercan, 2025: 627-628).

حفظ وضعیت موجود در استان ادلب از طریق ترتیبات موقت نیز در راستای اهداف ترکیه بوده است. با وجود انتقادات مبنی بر اینکه این سیاست به بقای رژیم سابق کمک کرده، ترکیه از آن عقب‌نشینی نکرده و استراتژی منطقه‌ای خود را بر اساس آن بازتعریف کرده است (Kardaş, 2025: 23). افزون بر این، اختلافات دریایی با یونان و قبرس و حمایت از دولت وفاق ملی در لیبی، جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ترکیه را برجسته‌تر کرده‌اند، در حالی که ایران همچنان درگیر رقابت‌های نیابتی با عربستان سعودی در یمن است (Bukhari, 2025: 2).

۹-۵- وابستگی به ترکیه و نگرانی‌های منطقه‌ای

در شرایط جدید، گروه تحریرالشام عملاً گزینه‌ای جز همکاری با ترکیه ندارد. گسترش نفوذ ترکیه به مرکز سوریه ممکن است موجب نگرانی بازیگرانی چون اسرائیل، عراق، کشورهای خلیج فارس و مصر شود. با این حال، توان ترکیه در تأمین نیروهای زمینی و تجهیزات پیشرفته نظامی، با پیشنهادات ایران و روسیه قابل مقایسه نیست. تلاش برای ایجاد تعادل در روابط تحریرالشام با روسیه نیز بعید به نظر می‌رسد، چرا که ترکیه به‌عنوان ضامن امنیت آینده سوریه شناخته می‌شود و دمشق فاقد منابع اقتصادی لازم برای خرید سامانه‌های پیشرفته روسی است (Abdulla Ibrahim, 2025: 5).

۱۰-۵- بازتعریف موقعیت منطقه‌ای

تغییر حکومت در سوریه و سقوط اسد، ضربه‌ای راهبردی به منافع ایران وارد کرده است. به تعبیر برخی تحلیل‌گران، «برنده اصلی سقوط اسد آنکارا و بازنده اصلی تهران است». واگذاری پرونده سوریه به نظامیان و انتخاب راه‌حل نظامی، موجب از دست رفتن سرمایه

استراتژیک ایران در این کشور شد. غلبه نگاه نظامی بر نگاه سیاسی در سیاست گذاری ایران از آغاز بحران سوریه، اشتباهی راهبردی بود که اکنون پیامدهای آن آشکار شده است (Maleki, 2024). در حالی که درگیری های اولیه سوریه عمدتاً ماهیتی ایدئولوژیک داشتند، تحولات اخیر بیشتر حول محور اهداف ژئوپلیتیکی می چرخند. ترکیه با هدف ضربه زدن به منافع ایران و بهره برداری اقتصادی از شمال سوریه، مجموعه ای از اقدامات راهبردی را دنبال می کند (Eqtesad News, 2024). اگر آنکارا با جسارت بیشتری در قفقاز عمل کند و از طریق حمایت مجدد از باکو، کنترل مسیر تجاری کریدور زنگرور را در دست گیرد، رقابت ها در این منطقه تشدید خواهد شد. در چنین شرایطی، شکست راهبرد دفاعی ایران به معنای ضرورت بازتعریف موقعیت منطقه ای آن است. تهران ناگزیر خواهد بود برای جلوگیری از تهدیدهای بیشتر و حفظ شبکه های باقی مانده، به ارزیابی مجدد چشم انداز منطقه ای پردازد. این بازنگری می تواند شامل تلاش برای بازسازی نفوذ در لبنان و توسعه روابط جدید در سوریه پس از اسد باشد (Vakil, 2024).

۶- عبور راهبردی ایران از سوریه و تثبیت نقش ترکیه

تحولات پس از سقوط رژیم بشار اسد، نقطه عطفی در بازآرایی ژئوپلیتیکی خاورمیانه محسوب می شود؛ تحولی که نه تنها ساختار سیاسی سوریه را دگرگون ساخت، بلکه موازنه قدرت منطقه ای را نیز به طور بنیادین تغییر داد. در این میان، ایران که طی بیش از یک دهه با صرف منابع مالی، نظامی و دیپلماتیک گسترده در حمایت از رژیم اسد، خود را بازیگر اصلی محور مقاومت معرفی کرده بود، اکنون با کاهش محسوس نفوذ در سوریه مواجه شده و عملاً صحنه را به رقیب منطقه ای خود، ترکیه، واگذار کرده است. ترکیه با بهره گیری از خلأ قدرت ناشی از فروپاشی رژیم اسد، توانسته است در قالب ترتیبات سیاسی، امنیتی و اقتصادی، جایگاه خود را در سوریه تثبیت کند. از مشارکت فعال در طراحی ساختار سیاسی جدید گرفته تا ایفای نقش در بازسازی زیرساخت های انرژی، برق، و ارتش سوریه، آنکارا موفق شده است نفوذی چندلایه و پایدار در این کشور ایجاد کند (Cafiero, 2025). در مقابل، ایران نه تنها دسترسی راهبردی خود به حزب الله از طریق خاک سوریه را از دست داده، بلکه در پروژه های کلان منطقه ای نظیر «جاده توسعه» نیز کنار گذاشته شده است. این عقب نشینی، پیامد مستقیم غلبه نگاه نظامی بر نگاه سیاسی در سیاست گذاری تهران طی بحران سوریه بوده است؛ اشتباهی راهبردی که اکنون هزینه های ژئوپلیتیکی آن آشکار شده اند.

افزون بر این، همگرایی ترکیه با کشورهای عربی، تقویت روابط با باکو، و بهره برداری از فرصت های ژئواقتصادی در عراق، قفقاز و آسیای مرکزی، نشان دهنده انتقال مرکز ثقل سیاست گذاری منطقه ای از تهران به آنکارا است. ترکیه با استفاده از ابزارهای نرم افزاری چون دیپلماسی بشردوستانه، و سخت افزاری نظیر صنعت دفاعی پیشرفته، موفق شده است خود را به عنوان ضامن امنیت آینده سوریه معرفی کند؛ جایگاهی که پیش تر در انحصار ایران بود. در همین راستا، گروه هایی چون تحریر الشام نیز عملاً گزینه ای جز همکاری با ترکیه ندارند، و این امر وابستگی ساختاری دمشق به آنکارا را تقویت کرده است.

از منظر ژئواستراتژیک، فروپاشی مسیر زمینی ایران به لبنان، قطع اتصال به ارمنستان از طریق کریدور زنگرور، و حذف ایران از مسیرهای تجاری منطقه ای، همگی گویای تضعیف موقعیت منطقه ای تهران هستند. این تحولات نه تنها در سطح عملیاتی، بلکه در سطح ادراکی نیز تأثیرگذار بوده اند؛ به گونه ای که در محافل تحلیلی، از ایران به عنوان «بازنده اصلی سقوط اسد» یاد می شود (Lansing Institute, 2025). در مقابل، ترکیه با تبدیل سوریه به سکوی پرتابی برای نفوذ در جهان عرب، قفقاز و آسیای مرکزی، خود را به عنوان «برنده

راهبردی» این تحول معرفی کرده است. در چنین شرایطی، ایران ناگزیر است به بازتعریف موقعیت منطقه‌ای خود پردازد. این بازنگری باید فراتر از اقدامات تاکتیکی باشد و شامل تحول در رویکردهای کلان سیاست خارجی، بازسازی شبکه‌های نفوذ در لبنان، عراق و سوریه، و بازاندیشی در نحوه تعامل با بازیگران نوظهور منطقه‌ای گردد. در غیر این صورت، تهران با خطر انزوای ژئوپلیتیکی مواجه خواهد شد؛ انزوایی که نه تنها در عرصه امنیتی، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، دیپلماتیک و ایدئولوژیک نیز پیامدهای بلندمدتی به همراه خواهد داشت. در نهایت، سقوط رژیم اسد را می‌توان نه تنها پایان یک دوره از سیاست‌گذاری منطقه‌ای ایران، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از رقابت‌های ژئوپلیتیکی دانست که در آن ترکیه با جسارت، ابتکار عمل و ظرفیت‌سازی چندبعدی، جایگاه خود را به عنوان بازیگر محوری نظم نوین خاورمیانه تثبیت کرده است.

نتیجه گیری

سقوط دولت بشار اسد در سوریه به عنوان یک رویداد ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده، نظم منطقه‌ای خاورمیانه را به طور بنیادین دگرگون کرد و آثار عمیقی بر موقعیت راهبردی دو قدرت اصلی، یعنی ایران و ترکیه، برجای گذاشت. این پژوهش با بررسی داده‌ها و تحلیل‌های موجود، به وضوح نشان می‌دهد که این تحول، در حالی که برای ترکیه موجب تقویت و تثبیت موقعیت منطقه‌ای شد، برای ایران به معنای از دست دادن عمق استراتژیک و کاهش چشمگیر نفوذ بود. برای جمهوری اسلامی ایران، دولت اسد بیش از یک متحد، بخشی جدایی‌ناپذیر از "محور مقاومت" بود که از تهران تا بیروت امتداد داشت. این دولت، پل ارتباطی حیاتی ایران با حزب الله لبنان و سایر گروه‌های همسو را فراهم می‌کرد و نقش محوری در مقابله با نفوذ اسرائیل و آمریکا در منطقه داشت. سقوط ناگهانی دمشق، این پیوند راهبردی را قطع کرد و ایران را در یک خلأ ژئوپلیتیکی بی‌سابقه قرار داد. این وضعیت نه تنها قدرت چانه‌زنی تهران را در مذاکرات منطقه‌ای تضعیف کرد، بلکه با تضعیف محور مقاومت، ایران را در برابر تهدیدات جدیدی که از سوی مرزهای شمالی خود و نفوذ فزاینده رقبایش در منطقه شام ایجاد شده بود، آسیب‌پذیر ساخت. به بیان دیگر، بر اساس نظریه «موازنه تهدید»، ایران با از دست دادن یک متحد کلیدی، با یک تهدید راهبردی جدید مواجه شد که توانایی آن برای نمایش قدرت در حوزه نفوذ سنتی‌اش را به چالش کشید.

در مقابل، ترکیه از پویایی‌های ناشی از سقوط اسد به نفع اهداف راهبردی بلندمدت خود بهره برد. این کشور با تکیه بر نظریه "نقش‌سازی" در سیاست خارجی، از یک بازیگر حاشیه‌ای به یک بازیگر تعیین‌کننده در سرنوشت سوریه تبدیل شد. مهم‌ترین دستاورد ترکیه، تثبیت نفوذ خود در مناطق مرزی و مقابله با گروه‌های کردی (YPG)¹ بود که آن را یک تهدید جدی برای امنیت ملی خود می‌دانست. ترکیه با حمایت از گروه‌های مخالف اسد، توانست نفوذ نظامی و سیاسی خود را در شمال سوریه افزایش دهد و با این اقدام، یک کمربند امنیتی در امتداد مرزهای خود ایجاد کند. این تحولات، ترکیه را به یک قدرت کلیدی در نظام امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه تبدیل کرد و قدرت آن را در برابر قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای افزایش داد. این دستاورد، به ترکیه اجازه داد تا به عنوان یک بازیگر قوی و مستقل در مذاکرات صلح و آینده منطقه حضور یابد و منافع خود را به صورت مستقیم پیگیری کند.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که سقوط دولت اسد در سوریه، یک تغییر مهم در موازنه قدرت منطقه‌ای ایجاد کرد که به وضوح به نفع ترکیه و به ضرر ایران بود. در حالی که ایران با چالش‌های اساسی برای حفظ نفوذ و جایگاه گذشته خود روبرو شد و مجبور به

¹ Yekîneyên Parastina Gel

بازتعریف سیاست‌های منطقه‌ای خود گردید، ترکیه توانست با استفاده از فرصت‌های ایجاد شده، موقعیت راهبردی خود را تثبیت و تقویت کند. این رویداد تاریخی نشان داد که چگونه تحولات داخلی یک کشور می‌توانند پیامدهای گسترده و بلندمدتی بر کل سیستم منطقه‌ای داشته باشند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که برای درک کامل پیامدهای این تحول، پژوهش‌های آتی باید به پیامدهای بلندمدت این تغییرات در روابط دوجانبه ایران و ترکیه و تأثیر آن بر سایر بازیگران منطقه‌ای بپردازند.

A. Journal Articles

1. Esmaeili, M., & Rahimi-Nasab, F. (2024). *China and the Arab-Israeli conflict: From ideological support to regional balancing*. Strategic Studies of International Politics Quarterly, 7(1). (In Persian)
2. Afzali, R., Dastjerdi, H. K., & Dashti Talesh Makaeil, M. H. (2016). *Geopolitical consequences of the Syrian crisis on Iran's national security*. Geography Journal, 14(50), 345–368. (In Persian)
3. Jowfar, M. R., & Mohammadi, H. R. (2023). *Geopolitical conflict of interests between Iran and Turkey in Central Asia and the Caucasus*. Geography Journal, 21(78). (In Persian)
4. Chegini Zadeh, G., Tajik, H., & Nabavi, S. M. (2013). *Impact of Syrian developments on Iran–Turkey interaction patterns: A conceptual and theoretical model*. Journal of Security Horizons, 6(20). (In Persian)
5. Ghazi, R., & Nouri, M. (2017). *Turkey's position in the rivalries of Syrian crisis actors*. Journal of Crisis Studies, 4(7). (In Persian)
6. Saleem, Z., Akhtar, H., & Shaukat, Z. (2024). *Role theory and regional legitimacy in post-Assad Syria*. Pakistan Social Sciences Review, 8(4), 745–760.
7. Zafar, S. A., Akhtar, H., & Shaukat, Z. (2025). *The global rivalry in Syria and the security dilemma in the Middle East*. Pakistan Social Sciences Review, 9(2), 151–165.
8. Grajewski, N. (2024). *Iran and Russia after Assad: Strategic recalibration in Syria*. Carnegie Endowment for International Peace.
9. Cafiero, G. (2025, February 26). *Why post-Assad Syria complicates the Iran-Turkey rivalry*. Atlantic Council.
10. Lansing Institute. (2025, March 18). *Shifting Alliances: The Fall of Assad and Iran's Diminishing Influence in Syria*. Robert Lansing Institute.
11. Hamidfar, H. R., Abbasi, M., & Kahreizi, F. (2019). *The Syrian crisis and the confrontation of two different strategies of Iran and Turkey in crisis management in West Asia*. Politics and International Relations Semiannual, 3(5), 113–137. (In Persian)
12. Rezaei, M. (2016). *The nature of Iran–Turkey rivalry and conflict in Syria and Iraq*. Political Science Research Journal, 12(1). (In Persian)
13. harifian, J., Kabirs, A., & Tahanmanesh, A. (2012). *Interaction and confrontation between Iran and Turkey in the Syrian crisis*. Security Studies Quarterly, 11(38), 140–186. (In Persian)
14. Chegini Zadeh, G. (2013). *Balance of power and China's strategic relations with the United States*. Foreign Relations Quarterly, 5(4). (In Persian)
15. Akbarzadeh, S., & Barry, J. (2017). *Iran and Turkey: Not quite enemies but less than friends*. Third World Quarterly, 38(4), 980–995.
16. Arora, A., & Ganguly, A. N. (2025). *The collapse of the Assad regime: The role of Hay'at Tahrir al-Sham (HTS) and the challenges in post-war Syria – An analytical study*. International Journal for Multidisciplinary Research (IJFMR).

17. Azizi, H. (2024). How Iran lost Syria? And why a stable post-Assad future will require Tehran's involvement? *Foreign Affairs*.
18. Bin Saleem, Z., Khan, I., & Khurshid, Z. (2024). The fall of Bashar al-Assad: Implications for Syria and the broader Middle East. *Journal for Educational Research*, 2(5).
19. Bukhari, S. R. H. (2025). Between regionalism and globalism: Exploring the contemporary and prospects of Syria in the Middle Eastern polity. *International Social Research Nexus (ISRN)*, 1(1), 1–17.
20. Dzulhisham, H. E. (2024). Explaining the collapse of Syria's Assad regime. *RSIS Commentary*, Nanyang Technological University. <https://www.rsis.edu.sg/rsis-publication/rsis/explaining-the-collapse-of-syrias-assad-regime/>
21. Grajewski, N. (2024). Why did Iran allow Bashar al-Assad's downfall? *Carnegie Endowment for International Peace*. <https://carnegieendowment.org/middle-east/diwan/2024/12/why-did-iran-allow-assads-downfall?lang=en>
22. Habibi, N. (2024). Undermining Syria would be a strategic blunder for Iran. *International Policy Digest*. <https://intpolicydigest.org/undermining-syria-would-be-a-strategic-blunder-for-iran/>
23. Ibrahim, A. (2025). Balances of weakness: Syria's post-Assad security sector governance.
24. Jojua, D. (2024). Syria after Bashar al-Assad: Geopolitical situation in the Middle East. *Sokhumi State University Journal*, ISSN: 1987-7293. <https://journals.4science.ge/index.php/journal/article/view/3329>
25. Kardaş, Ş. (2025). Turkey's long game in Syria: Moving beyond ascendance. *Middle East Policy*, 32(1), 22–37.
26. Kaderli, D. T., & İşyar, Ö. G. (2025). Iran's defensive policy in Assad's Syria: Proxy war. *TESAM Akademi Dergisi*, 12(1), 43–65.
27. Lloyd, A. T., Kargin, I. A., Kurtoglu, A., & Sirkeci, I. (2025). Return of Syrians: Myth or reality. *Border Crossing*, 15(1), 33–53.
28. Masoud, T. (2025). Divining Syria's future. *Journal of Democracy*, 36(2), 47–49.
29. Pinfold, R. G. (2025). Myth busting in a post-Assad Syria. *Middle East Policy*.
30. Vakil, S. (2024). The fall of Assad has exposed the extent of the damage to Iran's axis of resistance. *Chatham House*. <https://www.chathamhouse.org/2024/12/fall-assad-has-exposed-extent-damage-irans-axis-resistance>
31. Wedeen, L. (2025). "Forever has fallen": The end of Syria's Assad. *Journal of Democracy*, 36(2), 50–58.
32. Yıldırım, K. E., & Ercan, M. (2025). Geopolitical and strategic analysis of the Syrian problem after regime change. *Akademik Hassasiyetler*, 12(27), 616–631.
33. Zafar, S. A., Akhtar, H., & Shaukat, Z. (2025). The global rivalry in Syria and the security dilemma in the Middle East. *Pakistan Social Sciences Review*, 9(2), 151–165.
34. Ziarat Ali, Z., Zaman, Z., Shahid, Q. A., & Mustafa, G. (2025). Iran–Syria relations during the Syrian civil war (2010–2024). *Dialogue Social Science Review (DSSR)*, 3(1), 579–596.
35. Esmaeili, M., & Rahimi Nasab, F. (1403). China and the Arab-Israeli conflict: From ideological protectionism to regional balancing. *Quarterly Journal of Strategic Studies in International Politics*, 7(1).
36. Hamidfar, H., Abbasi, M., & Kahrizi, F. (2019). The Syrian crisis and the contrast of two different strategies of Iran and Turkey in crisis management in the West Asian region. *Bi-Quarterly Journal of Politics and International Relations*, 3(5), 113–137.

37. Hessam Ghazi, R., & Nouri, M. (2017). Türkiye's position in the conflicts of the opposing parties in the Syrian crisis. *Crisis Studies Quarterly*, 4(7).
38. Jofar, M., & Mohammadi, H. (2014). A study of the conflicting geopolitical interests of Iran and Türkiye in Central Asia and the Caucasus. *Quarterly Journal of Geography*, 21(78).
- 39.
40. Rezaei, M. (2016). The nature of competition and conflict between Iran and Türkiye in Syria and Iraq. *Journal of Political Science*, 12(1).
- 41.
42. Sharifian, J., Kabirs, A., & Tahanmanesh, A. (2012). Interaction and confrontation between Iran and Türkiye in the Syrian crisis. *Quarterly Journal of Security Studies*, 11(38), 140–186.
- 43.
44. Saleem, Z. B., Khan, I., & Khurshid, Z. (2024). The fall of Bashar al-Assad: Implications for Syria and the broader Middle East. *Journal for Educational Research*, 2(5), 750–760.
- 45.
46. Zafar, S. A., Akhtar, H., & Shaukat, Z. (2025). The global rivalry in Syria and the security dilemma in the Middle East. *Pakistan Social Sciences Review*, 9(2), 151–165.
- 47.
48. Adar, S., Asseburg, M., Azizi, H., Klein, M., & Steinberg, G. (2025). The fall of the Assad regime: Regional and international power shifts. *Stiftung Wissenschaft und Politik*, 12–16.

Books

1. Dougherty, J. E., & Pfaltzgraff, R. L. (1993). *Contending theories of international relations* (A. Tayeb & V. Bozorgi, Trans.). Qomes Publications. (In Persian)
2. Heywood, A. (2019). *Global politics, Vol. 1* (S. M. Mousavi-Shafaei, Trans.). SAMT Publications. (In Persian)
3. Dougherty, J. E., & Pfaltzgraff, R. L. (1993). *Conflict theory in international relations* (A. Tayyeb & V. Bozorgy, Trans.). Qoms Publishing. (In Persian)
4. Kegley, C. W., & Wittkopf, E. R. (2005). *World politics: Trends and transformation*. Wadsworth Publishing.
5. Acharya, A. (2007). Constructing a security community in Southeast Asia: ASEAN and the problem of regional order. Routledge.
6. Buzan, B., & Wæver, O. (2003). Regions and powers: The structure of international security. Cambridge University Press.
7. Heud, A. (2019). World politics (Vol. 1, S. M. Mousavi Shafaei, Trans.). Samt Publications. (Original work published in English)
8. Holsti, K. J. (1970). National role conceptions in the study of foreign policy. *International Studies Quarterly*, 14(3), 233–309.
9. Thies, C. G. (2012). Role theory and foreign policy. In R. A. Denemark (Ed.), *The international studies encyclopedia* (pp. 6720–6737). Wiley-Blackwell.
10. Walt, S. M. (1987). *The origins of alliances*. Cornell University Press.

11. Cantir, C., & Kaarbo, J. (2012). Contested roles and domestic politics: Reflections on role theory in foreign policy analysis and IR theory. *Foreign Policy Analysis*, 8(1), 5–24.

News & Commentary Sources

- 1- Eqtesad News. (2024). *Iran–Turkey rift exposed: Aftershocks of Damascus collapse / Why did Erdoğan pull the rug from under Assad?* Article No. 690670. <https://www.eghtesadnews.com> (In Persian)
- 2- Etemad Newspaper. (2024). *After Assad's fall, what happens to Iran, Turkey, and Russia in the region?* Article No. 689565. <https://www.etemadonline.com> (In Persian)
- 3- Mohammadsharifi, M. (2024). *New rivalry: After Assad's fall, regional actors compete to shape the new security order.* Article No. 30263. Hammihan News Agency. <https://hammihanonline> (In Persian)
- 4- Hunter, S. (2024). *The fall of Syria's government poses security threats to Iran / Arab states rejoice.* Tabnak News Agency. Article No. 1276520. <https://www.tabnak.ir> (In Persian)
- 5- Yeganeghi, K. (2024). *Turkey and the end of Assad's rule.* Iranian Diplomacy. Article No. 2030213. <http://www.irdiplomacy.ir> (In Persian)
- 6- Eqtesad24. (2024). *Chaos in the Levant: Assad's fall and intensified Iran–Turkey rivalry over control of Syria.* Article No. 272613. <https://eghtesaad24.ir> (In Persian)
- 7- Institute for Islamic World Futures Studies. (2024). *Turkey's flawed foreign policy in Syria.* <https://iiwfs.com> (In Persian)
- 8- Maleki, S. (2024). *Analyzing the reasons behind Assad's fall and Iran's position in post-Assad Syria.* Iranian Diplomacy. Article No. 2029866. <http://irdiplomacy.ir> (In Persian)
- 9- Kalantari, F. (2024). *Old grudges: A piece of the Assad collapse puzzle.* Hammihan Newspaper. Article No. 29122. <https://hammihanonline.ir> (In Persian)
- 10- Gambrell, J. (2024). *Analysis: Collapse of Syria's Assad is a blow to Iran's 'Axis of Resistance'.* *Associated Press*. <https://apnews.com/article/iran-mideast-proxy-forces-syria-analysis-c853bf613a6d6af7f6aa99b2e60984f8>
- 11- Guneylioglu, M. (2025, January 31). *Reconsidering Turkey's influence on the Syrian conflict.* *Royal United Services Institute (RUSI)*.
- 12- Economy 24. (2024). *Riot in the Levant: The fall of Bashar al-Assad and the intensification of the competition between Iran and Türkiye.* <https://eghtesaad24.ir/fa/news/272613> (In Persian)
- 13- Eghtesad News. (2024). *The rift between Iran and Türkiye was exposed: Aftershocks of the fall of Damascus.* <https://www.eghtesadnews.com> (In Persian)
- 14- Grajewski, N. (2024). *Why did Iran allow Bashar al-Assad's downfall?* Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/middle-east/diwan/2024/12/why-did-iran-allow-assads-downfall?lang=en>
- 15- Lansing Institute. (2025, March 18). *Shifting alliances: The fall of Assad and Iran's diminishing influence in Syria.* <https://lansinginstitute.org/2025/03/18/shifting-alliances-the-fall-of-assad-and-irans-diminishing-influence-in-syria/>

- 16- Cafiero, G. (2025, February 26). Why post-Assad Syria complicates the Iran-Turkey rivalry. Atlantic Council. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/why-post-assad-syria-complicates-the-iran-turkey-rivalry/>
- 17- Islamic World Futures Studies Institute. (2024). The crooked brick of Turkish foreign policy in Syria. <https://iiwfs.com>
- 18- Kalantari, F. (2024). Old grudges are part of the puzzle of Assad's downfall. Ham Mihan Newspaper. <https://hammihanonline.ir>
- 19- Mohammad Sharifi, M. (2024). New competition: After the fall of Bashar al-Assad in Syria, regional actors will compete in shaping the regional security order. Hammihan News Agency. <https://hammihanonline>
- 20- Shirin, H. (2024). The fall of the Syrian government poses security threats to Iran. Tabnak News Agency. <https://www.tabnak.ir/fa/news/1276520>
- 21- Yeganagi, K. (2024). Türkiye and the end of Bashar al-Assad's rule. Iranian Diplomacy. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2030213>
- 22- Maleki, S. (2024). Analysis of the reasons for the fall of Bashar al-Assad's government and the future of Damascus. Iranian Diplomacy. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2029866>
- 23- Etemad Newspaper. (2024). What will happen to the situation of Iran, Türkiye and Russia in the region with the fall of Bashar al-Assad's government in Syria? <https://www.etemadonline.com>